نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره۶۱، تابستان ۱۴۰۰

تفاوت‌های فضایی در تبیین عوامل هویت‌مندی فضای‌شهری با استفاده از روش‌های لجستیک و تمایزی- مورد مطالعه: مناطق غربی و شرقی مشهد

دریافت مقاله: ۹۷/۰۸/۳۰ **پذیرش نهایی:** ۹۸/۰۲/۰۱
صفحات: ۲۱۹-۲۰۱

مصطفی امیرفخریان: استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران[1]
Email: amirfakhrian@um.ac.ir
حسین مبینی: جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد، ایران
Email: jahanarai@yahoo.com

چکیده

هویت به عنوان وجه تمایز پدیده‌ها، یک امر متغیر و متحول است که از شاخص‌های هویت‌ساز تأثیر می‌پذیرد. جایگاه این شاخص‌ها متأثر از محیط زندگی و فرهنگ هر جامعه است که می‌تواند متناسب با مکان و زمان تغییر کند. بدون شک آگاهی از این موضوع کمک شایانی به مجموعه مدیریت شهری در جهت تدوین برنامه‌ها و اقدامات مناسب جهت ارتقای هویت شهر می‌کند. این مطالعه به شکل ویژه، اختصاص به شهر مشهد دارد که به دلیل وجود تنوعات جغرافیایی و فرهنگی توجه ویژه‌ای را دراین خصوص می‌طلبد. در این راستا سؤال اصلی تحقیق آن است که آیا این تنوع و تفاوت محیط، سبب نگاه متمایز شهروندان هر منطقه، به جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا نیز شده است؟ مطالعه براساس هدف از نوع مطالعات کاربردی و براساس روش نیز توصیفی-تحلیلی می‌باشد. برای این منظور با انتخاب دو محدوده متفاوت از شهر مشهد(مناطق شرقی و غربی) و تکمیل ۸۰۰ پرسشنامه از ساکنین آن، اقدام به ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های اثرگذار بر هویت‌مندی فضا از منظر شهروندان گردید. نتایج این ارزیابی با بهره‌گیری از روش‌های آماری لجستیک و تمایزی نشان داد که در انتخاب شاخص‌های هویت‌مندی فضا تفاوت معناداری بین نظرات ساکنین در مناطق غربی و شرقی مشهد وجود دارد. به عبارتی تفاوت‌های مکانی، سبب رویکردها و ادراکات متفاوتی از شهر، توسط ساکنین آن شده است. نظر به اینکه هویت مکان از جمله عوامل مؤثر در کیفیت محیط زیست می‌باشد، لذا توجه به چنین نتایجی می تواند مدیریت شهری را در جهت درک صحیح از شهر و محیط آن به منظور ارتقای کیفی محیط و برنامه‌ریزی برای آن یاری کند.

کلید واژگان: هویت، تحلیل تمایزی، تحلیل لجستیک، مناطق شهر مشهد

---

[1]. **نویسنده مسئول:** مشهد، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

مقدمه

مقوله «هویت»، سابقه‌ای به بلندای تاریخ دارد. بزرگان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی در طول تاریخ در مورد مسئله هویت نظریه‌هایی متنوع و بعضاً متضاد داده‌اند. به همین دلیل مفهوم هویت از مباحث سهل و ممتنع بحساب می‌آید(رحیم زاده، ۱۳۷۹: ۳). هویت انسانی علاوه بر عامل تشخص او، همچنین سبب تمایز تولیدات جامعه نیز می‌شود. هویت از نقطه نظر موضوعات شهری و معماری شامل تعریف گسترده‌ای است که تولیدات طبیعی، جغرافیایی و فرهنگی و همچنین ظرافت‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد (Yaldız & Aydın, 2014, p. 221). هویت یک شهر، سبب تشخص آن یا فضای جغرافیایی مشخص از فضای دیگر می‌شود. کوین لینچ در «تئوری شکل خوب شهر»، سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت را برای سنجش شکل خوب شهر مطرح می‌کند. او برای هویت دو کارکرد مهم «حس تشخیص» و «عملکرد عاطفی هویت محیط» را در نظر می‌گیرد(لینچ، ۱۳۷۶: ۵۶). از نظر راپاپورت«هویت» قابلیت تمیز و تشخیصِ عنصری از عنصر دیگر است(Rapoport,1990,153). الکساندر معتقد است هویت در محیط هنگامی تجلی می‌کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط حاصل شده باشد(Alexander,1997). «کالن» بر اهمیت تفاوت هر محیط با سایر محیط‌ها تأکید دارد. او هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و تشابه محیط‌های شهری از طریق به جلوه در آوردن ویژگی‌های خاص هر محیط می‌داند(کالن، ۷۸:۱۳۷۷). جیکوبز نیز هویت را در رابطه با فعالیت‌ها و زندگی در خیابان‌های شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری تعریف می‌کند(Jacobs,1969,85).

والتر بور، یکی از صاحب‌نظران حوزه هویت محیطی، معتقد است، هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دلبستگی و حساسیت محیط را به وجود می‌آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است و در نحوه قرارگیری فضاها و طرز دسترسی به فضاها و در کاربری ها نیز می باید وجود داشته باشد(دانشپور، ۱۳۸۰: ۵۵). به عقیده هان و هاوکن، موضوع هویت امروزه یکی از چالش‌های مورد تاکید در شهرهای هوشمند می‌باشد که نیازمند اقدامات ابتکاری در این زمینه است(Han& Hawken,2018: 1). این مسئله به ویژه در فرایند جهانی شدن اهمیت بیشتری پیدا کرده است(Choudhary, 2014, p. 35). پرتوی نیز معتقد است که تعابیر مختلفی در مورد هویت فضا وجود دارد که وابسته به دیدگاه‌های متفاوت انسان، مولف و بهره‌بردار از آن است. زیرا انسان، زمان و مکان، یک هستی را رقم می‌زنند و لذا هویت‌شان در هم آمیخته می‌گردد(پرتوی،۱۳۸۲: ۴۲).

مطالعات نشان می‌دهد در جغرافیای فضایی، شاخص‌های مختلفی جهت هویت‌مندی فضا مد نظر بوده است. به عنوان مثال در گوشه‌ای از دنیا، انطباق با طبیعت، هویت‌ساز می‌شود(شرق آسیا)، و در گوشه‌ای دیگر تقابل با طبیعت(باغسازی انگلستان)(گروتر، ۱۳۸۵). در گوشه از این کره خاکی، شهر به آسمان متصل می‌گردد و رو به معبود دارد(شهر اسلامی) و در جایی دیگر از همه قیود دست و پا گیر خود را می‌رهاند و بنده را مرکز پرگار خود قرار می‌دهد(شهرسازی مادی گرا)(بیکن، ۱۹۶۵: ۸۲).

یکی از مهمترین زمینه‌های احراز هویت انسان، ارتباط او با مولفه‌های فرهنگی، طبیعی و کالبدی محیطش می‌باشد. از سوی دیگر انسان و نگرش او، سبک خاصی از محیط را به وجود می‌آورد. از این‌رو ارتباط دو سویه‌ای بین انسان، محیط و ارتقای هویت قابل مشاهده است(نقی زاده،۱۳۹۳: ۵۵). می‌توان چنین انتظار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

داشت که انسان در مکان‌های متفاوت، تجربیات گوناگونی را نسبت به هویت کسب خواهد کرد. در واقع محیط با همه زمینه‌های متنوعی که برای آن مطرح است از اصلی‌ترین عوامل شکل دهنده‌ی هویت انسان است(نقی زاده، ۱۳۸۶، ۵۲)تاثیر محیط بر شکل‌گیری هویت به حدی است که می‌توان گفت کمتر انسانی را می‌توان یافت که بتواند از آثار محیط طبیعی، فرهنگی و اعتقادی نخستین خود رنگ نگیرد(ابراهیمی دینانی،۱۳۷۹: ۲۳۳).

معیارهای سازنده هویت یک مکان، همانند معیارهای سازنده شخصیت انسان، دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی را شامل می‌شود. چنین معیارهایی سبب تمایز یک شیء از شیء دیگر است(نقی زاده، ۱۳۹۳: ۵۴). در این بین ویژگی‌های محیط زندگی، عادات، جهان‌بینی، ویژگی‌های فرهنگی و... تأثیر فزاینده‌ای بر شکل‌گیری شاخص‌های هویت‌مندی دارند. لذا از آنجا که عوامل سازنده این شاخص‌ها در طول زمان و مکان تغییرپذیر هستند، می‌توان انتظار داشت عوامل هویت‌مندی، در طول زمان و متناسب با مکان متفاوت باشند. با این حال بررسی میزان تفاوت‌ها در مقیاس مناطق یک شهر می‌تواند روشن کننده این مسئله باشد که نگاه به هویت شهرها و به ویژه کلان‌شهرها چگونه باید باشد؟ آیا سیاستگذاری برای دستیابی به هویت یکپارچه در شهرها امکان‌پذیر خواهد بود و یا این امر در فضاهای متکثر کلان‌شهرها امکان پذیر نیست و یا بسیار دشوار است؟

با توجه به مطالب ذکر شده، مطالعه پیش رو به دنبال نمایش جایگاه متفاوت عوامل اثرگذار بر هویت‌مندی فضا، در نتیجه‌ی حضور انسان در مکان‌های با ویژگی‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در محیط شهری است که به شکل ویژه اختصاص به شهر مشهد دارد. شهری با حدود ۳.۰۵ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۳۹۵(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)و ۱۳منطقه شهری (پرتال جامع شهر مشهد، ۱۳۹۷)در پهنه ای به وسعت ۳۰۰ کیلومتر مربع(مهندسین مشاور فرنهاد، ۱۳۸۹: ۳۰)، که مناطق گوناگون آن تفاوت‌های مشخصی را از منظر ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با یکدیگر نشان می‌دهند(شاهنوشی، ۱۳۸۵: ۵۵۶) و (مهندسین مشاور فرنهاد، ۱۳۸۹: ۵). با توجه به این مطلب سؤال اصلی این تحقیق آن است که آیا تنوع و تفاوت محیط، نگرش شهروندان مناطق گوناگون را نیز نسبت به شاخص‌های هویت‌مندی فضا متفاوت کرده است؟ و آن‌ها دیدگاه‌های متفاوتی را در این خصوص دارند؟ در واقع آن‌چه زمینه ورود به این موضوع را برای مطالعه پیش‌رو باز کرده است، ضرورت توجه به رویکردهای متنوع در برنامه‌ریزی شهری در شهرهایی همچون مشهد، به دلیل ناهمگونی و تنوع محیط شهری است که گذر از رویکردهای یکسان به محیط شهری را اجتناب ناپذیر می‌سازد.

فرضیه تحقیق: به نظر می‌رسد بین نگرش ساکنین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد نسبت به جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضای شهری تفاوت معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

فرهنگ آکسفورد «هویت» را کیستی و چیستی شخص می‌داند(Oxford Dictionary, 2018). فرهنگ کمبریج هویت را به معنای اینکه یک فرد چگونه است یا چگونگی تفاوت یک فرد یا یک گروه از دیگران معرفی می‌کند(Cambridge Dictionary, 2018). در فرهنگ لغات فارسی نیز هویت در معنای تشخیص، شخصیت، ذات و هستی آمده است(معین، ۱۳۷۵ ، ج ۴) و (دهخدا، ۱۳۷۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

ایجاد ارزش‌های فرهنگی در فضاهای منسوخ، پیش شرطی برای ایجاد و حفظ ارزش‌ها و مکان‌های میراثی است (Mihye & Sunghee, 2014). هویت شهر، نمایانگر اصول مورد باور و احترام شهر، نشانه روش و مشی زیست مردمان، نمونه تعامل با طبیعت اهل شهر و جایگاه روابط اجتماعی جاری در شهر، نمایشگاه آداب و آیین‌ها و سنن مردمان، بیانگر آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها و جلوه‌های تحولات فرهنگی و فکری آن ملت جامعه یا تمدن است(نقی زاده, ۱۳۹۳, ص. ۱۳۳). هویت و هویت‌مندی همچون سایر موضوعات و مفاهیم؛ جهت تجلی، نیازمند یک‌سری معیارها و شاخص‌ها است. شاخص‌های هویت‌دهی را می‌توان به سه گروه کلی تقسیم کرد(بهزادفر، ۱۳۸۷: ۵): شاخص‌های فرمیک، شاخص‌های معنایی و شاخص‌های عملکردی. در این میان منظور از فرم، ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی محیط اطراف است. همچنین منظور از عملکرد، کارکردی از فضا می‌باشد که در رابطه با توقعاتی که از آن می‌رود، ارزیابی می‌گردد. عملکرد ها و فعالیت‌های قابل مشاهده، دارای معنای خاصی برای مخاطب بوده و سبب خلق محیط‌های با هویت می‌شود. این معنا، می‌تواند نشأت گرفته از سه عامل هنجارها(آداب و رسوم و عرف)، جهان‌بینی(اعتقادات و باورها)، ادراک و انطباق با تصویر ذهنی باشد(بهزادفر، ۱۳۸۷: ۱۵). تفاوت در گزینش شاخص‌های هویت‌مندی مکان، در همه مقیاس‌های فضایی، از یک محیط گسترده و بزرگ تا ساکنین یک محله، قابل مشاهده می‌باشد. امری که در برخی دوره‌های تاریخی، سبب ایجاد شهری درون شهر دیگر می‌شده است(حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۲). به این ترتیب می‌توان با تغییر مکان و زمان، تفاوت در جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا را شاهد بود. مطالعات متعددی دراین خصوص انجام شده است که از آن جمله (کالن، ۱۳۷۷) بر اهمیت تفاوت هر محیط با سایر محیط‌ها تأکید دارد. او هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و تشابه محیط‌های شهری از طریق به جلوه در آوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند. (الکساندر، ۱۹۹۷) عنوان می‌کند که بین فرد و محیط زندگی‌اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آن‌که قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد و توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر را نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورت پاسخ مناسبی به کنش‌های انجام یافته در آن محیط بدهد. نظریه «ادغام ویژگی تریسمن۲»بر این باور است که توجه فضایی به عنوان پیوستی برای بررسی ویژگی‌های مختلف یک شیء، در قالب یک کل منسجم مورد نیاز است (Treisman, 1980, p. 100).

(Golomb & Kupitz, 2014) در پژوهشی با عنوان «اثر موقعیت موضوعات بر هویت» به نقش تفاوت‌های مکانی در هویت پدیده‌ها می‌پردازند نتایج این یافته بیانگر آن است که مکان و موقعیت موضوع، یک ویژگی منحصر به فرد، و اتوماتیک‌وار را برای آن، پدید می‌آورد. آن‌ها ادعا می‌کنند که ذهنیت‌ها به طور قابل اعتمادی هویت و تفاوت اندکی را در مکان‌های مشابه در مقایسه با مکان‌های متفاوت نشان می‌دهند.

(Terlouw, 2016) در مطالعه خود به دنبال نقش هویت‌های محلی در آمیختگی‌های شهری است. مطالعه او در یکی از شهرهای هلند نشان می‌دهد که آمیختگی شهری می‌تواند سبب ایجاد جذابیت‌های ثانویه و نهایتاً لایه نازکی از هویت‌های منطقه‌ای شود که می‌تواند مبتنی بر هویت اولیه محلی باشد. (Antonsich, 2013) نشان می‌دهد که ارتباط بین هویت و مکان یکی از مهمترین موضوعات رایج در جغرافیا است. مطالعه او با

[2] -Treisman's feature integration theory

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

هدف غنی‌سازی و تنوع چنین تحقیقات، به انجام رسیده است. او نشان می‌دهد در عصر پست مدرن و در جنبش‌های فمنیستی، جریان هویت‌های مکانی جای خود را به تفاوت‌ها در جنسیت، نژادها و گروه‌ها داده است. همچنین مکان و انتخاب آن یکی از ویژگی‌های قطعی در مدل«شاخص موضوعات» (Leslie, Xu, Tremoulet, & Scholl,1998)، «تئوری جستجوی هدایت»(Wolfe,1994)، مدل «نقشه برتر» (Koch & Ullman,1985)، «تئوری نقشه بولین»(Huang & Pashler,2007) به شمار می‌آید. علاوه بر این نتایج تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که توجه به شکاف و تغییر فضایی می‌تواند فرایند یکپارچگی را تغییر دهد(Golomb, L'Heureux, & Kanwisher,2014).

با توجه به آن‌چه بیان شد می‌توان به نقش مکان و فضا در بروز تفاوت‌های رفتاری و نگرشی ساکنین پی برد. با این‌حال انجام چنین مطالعاتی سابقه چندانی در تحقیقات داخلی ندارد. و از این حیث مطالعه پیش‌رو می‌تواند بدیع باشد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش

این مطالعه بر اساس هدف؛ کاربردی و از لحاظ روش؛ توصیفی- تحلیلی است. برای این منظور در گام اول با مراجعه به اسناد و منابع موجود اقدام به جمع آوری اطلاعات در خصوص موضوع تحقیق شد. خروجی این بحث: ۱)آگاهی از مطالعات انجام شده و نظریات ارائه شده در باب موضوع و ۲)دستیابی به مؤلفه‌های هویت شهر و دسته‌بندی آن‌ها متناسب با هدف مطالعه بوده است. در ادامه با توجه به مبانی و شاخص‌های به دست آمده تلاش گردید تا جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا در بخش‌های گوناگون شهر مشهد مورد سنجش قرار گیرد. برای این منظور با تکیه بر مطالعات گذشته و همچنین طرح جامع شهر مشهد، دو محدوده شرق و غرب شهر مشهد که تفاوت‌های مشخصی را از حیث شرایط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی با یکدیگر نشان می‌دهند انتخاب گردید. این محدوده شامل مناطق شرقی(شامل مناطق ۴، ۵ و ۶) و مناطق غربی(شامل مناطق ۱، ۹ و ۱۱) و تکمیل پرسشنامه از ساکنین آن‌ها می‌شود. همچنین به منظور نمایش بهتر تفاوت‌های فضایی سعی گردید، تکمیل پرسشنامه‌ها در بین مناطق فوق، براساس خرده مقیاس‌های محلی همچون مرز نواحی صورت پذیرد. پرسشنامه‌ها پس از تکمیل، وارد پایگاه اطلاعات آماری گردید و با استفاده از نرم افزارهای آماری همچون Excel و Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با توجه به وجود روش‌های گوناگون در خصوص سنجش و جایگاه یک عامل در عوامل دیگر (همچون روش‌های شبکه عصبی، رگرسیون خطی، روش‌های لجستیک، رگرسیون فضایی و تحلیل تمایزی)، در این مطالعه به دلیل نوع متغیرهای تحقیق(متغیر ترتیبی چند وجهی) و سنجش آن در دو گروه مستقل(مناطق شرقی و غربی مشهد) از مدل‌های تمایزی و لجستیک استفاده گردید.

میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به میزان ۰.۸۸۹ تعیین گردید. برای روایی تحقیق نیز از روش روایی محتوا استفاده شد. برای این منظور پس از شناسایی متغیرهای و دسته‌بندی آن‌ها جهت تایید در اختیار افراد متخصص(شامل۷نفر از متخصصین امر) قرار گرفت و در طی دو مرحله داوری، روایی آن‌ها تایید شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

جامعه آماری و حجم نمونه

همان‌طور که عنوان گردید مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که وضعیت متفاوتی در بین مناطق شهری مشهد از منظر شاخص‌های توسعه شهری وجود دارد(شاهنوشی، ۱۳۸۵: ۵۵۶) و (مهندسین مشاور فرنهاد، ۱۳۸۹: ۵). توجه به چنین وضعیتی پایه و اساس دسته بندی و انتخاب مناطق شهر در این مطالعه را شامل می‌شود. بدین ترتیب مناطق ۱۳ گانه مشهد به دو دسته مناطق برخوردار و کم برخوردار طبقه‌بندی گردید. به شکل عمده مناطق غربی شهر مشهد شامل مناطق برخوردار و مناطق شرقی آن به عنوان مناطق کم برخوردار شناخته می‌شوند. بر اساس این طبقه‌بندی، جامعه آماری مطالعه شامل ساکنین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد است. مناطق شرقی شامل مناطق ۴ ، ۵و ۶ و مناطق غربی شامل مناطق ۱ ، ۹ و ۱۱ شهرداری مشهد است. بر اساس آمار سال ۱۳۹۵، جمعیت ساکن در مناطق شرقی ۶۷۰۴۰۳ نفر و جمعیت مناطق غربی نیز معادل ۶۹۴۲۳۵ نفر می‌باشد. نظر به حجم بالای جامعه آماری، ضرورت انتخاب نمونه‌ای متناسب با این جمعیت مطرح گردید. معیار حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران برای هر محدوده شامل ۳۸۲ پرسشنامه و در مجموع شامل ۷۶۴ پرسشنامه شد که به تعداد ۸۰۰ پرسشنامه(برای هر محدوده ۴۰۰ پرسشنامه) در بین ساکنین محدوده‌ها تکمیل گردید. توزیع پرسشنامه‌ها در بین محدوده‌ها براساس مرزهای هر منطقه و نواحی آن بوده است. تا تصویر دقیق‌تری از تفاوت‌های فضایی هر محدوده به دست آید. به عبارتی در گام اول جامعه آماری به دو خوشه مناطق شرقی و غربی تقسیم‌بندی شد. در ادامه با توجه به مناطق واقع در هر محدوده و همچنین نواحی واقع در هر منطقه اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها گردید. نمونه‌گیری از نوع ساده و شیوه انتخاب افراد نیز در داخل هر ناحیه شامل تمامی افرادی بوده است که سابقه سکونت آن‌ها در محدوده بیش از ۱۰ سال بوده است. به عبارتی افرادی که طی ۱۰سال اخیر به صورت دائم ساکن در آن منطقه بوده‌اند شکل(۱).

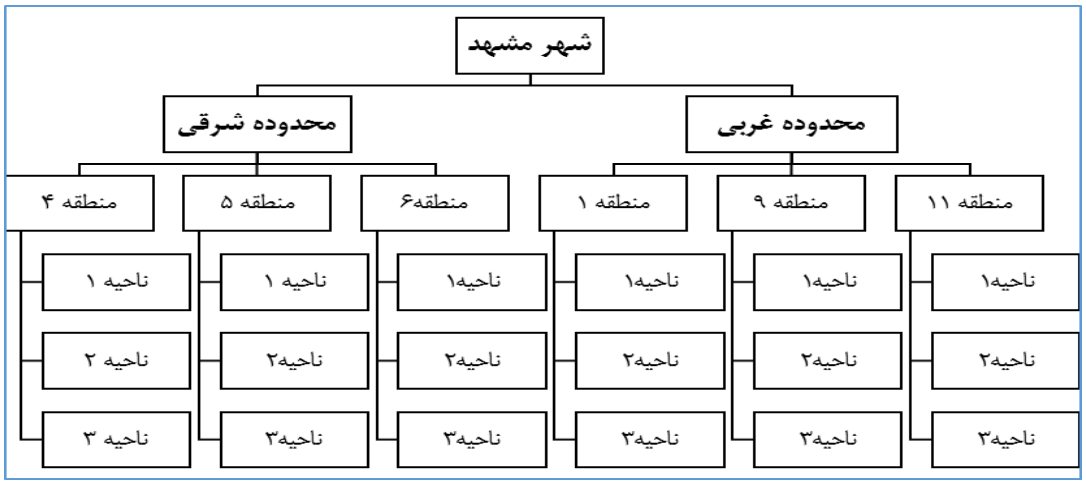

شکل(۱). شیوه توزیع پرسشنامه‌ها در محدوده مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش

با توجه به هدف اصلی مطالعه، می‌توان متغیرهای تحقیق و شیوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر را به شرح زیر نمایش داد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

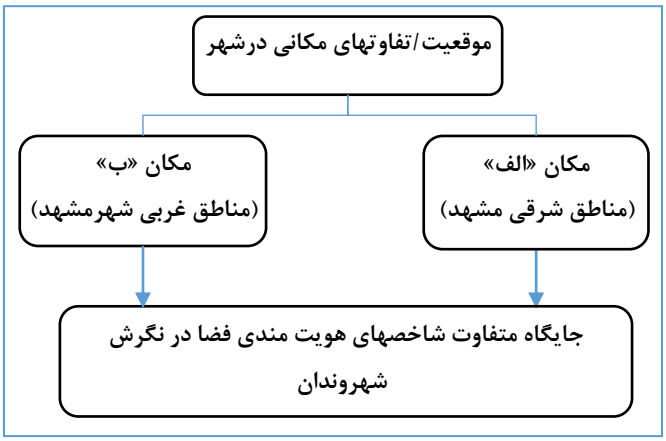

شکل(۲). نمودار متغیرهای تحقیق و نوع ارتباط آن‌ها با هم

همانطور که مشاهده می‌شود، موضوع اصلی مطالعه بدین صورت است که موقعیت و تفاوت‌های مکانی موجود در یک نقطه شهری همچون شهر مشهد در قالب مناطق شرقی و غربی، بر جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا از منظر شهروندان اثرگذار خواهد بود. از سوی دیگر مطالعات اسنادی نشان داد که متغیرهای مرتبط با هویت‌مندی فضا را می‌توان در سه دسته کلی طبقه بندی کرد: الف)متغیر های مرتبط با معنا، ب) متغیر های مرتبط با عملکرد و ج) متغیر های مرتبط با فرم. این متغیر ها بر اساس مطالعات انجام گرفته در مجموع شامل ۲۶ متغیر می‌شود. شکل(۳) نشان دهنده متغیرهای مورد استفاده در این خصوص است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

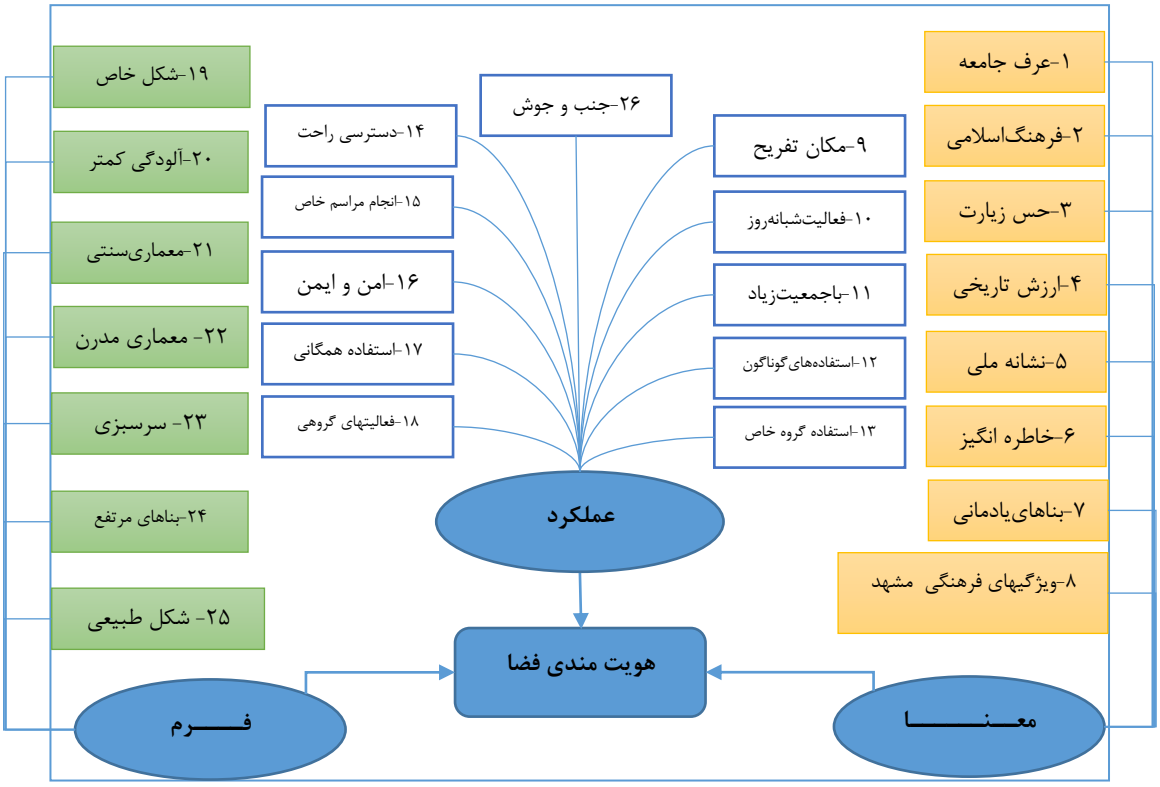

شکل(۳). متغیرهای سه گانه هویت‌مندی فضا و متغیرهای مرتبط با آن

مأخذ: برگرفته از (بهزادفر:۱۳۸۷متغیرهای ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵)، (لینچ:۱۳۷۶ متغیرهای ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۶، ۴، ۷)، (اقبالی: ۱۳۷۸ متغیرهای ۲۱، ۱۹، ۲۲، ۲۴، و ۲۵)، (تقوایی: ۱۳۹۱ متغیرهای ۲۱، ۱۹، ۲۲، ۲۴، و ۲۵)، (حجت: ۱۳۸۴، متغیرهای ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۶)، (قطبی:۱۳۸۷ متغیرهای ۲۶ و ۱۷)، (نقی زاده: ۱۳۹۳ متغیرهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۲۵)

محدوده و قلمرو پژوهش

قلمرو پژوهش در این مطالعه شامل مناطق شرقی و غربی شهر مشهد می‌شود. در شرایط فعلی شهر مشهد شامل ۱۳ منطقه است که این مناطق سطح یکسان و همگنی را از نظر بهره‌مندی از شرایط توسعه را نشان نمی‌دهند(شاهنوشی، ۱۳۸۵: ۵۸۴). ابعاد گوناگونی از طبقه‌بندی این مناطق در قالب خوشه‌های همگن می‌توان ارائه داد. از جمله آن‌ها، مناطق شرقی و غربی شهر مشهد است. مناطق شرقی دربردارنده پهنه‌هایی با شرایط اقتصادی و اجتماعی ضعیفتر از پهنه‌های غربی هستند. در پهنه شرقی مناطق ۴،۵ و۶ و در پهنه غربی مناطق ۱، ۹ و ۱۱ به عنوان دو خوشه مجزا از یکدیگر مد نظر می‌باشند. نقشه زیر موقعیت مناطق مورد مطالعه و سطوح توسعه یافتگی آن‌ها را در شهر مشهد نشان می‌دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

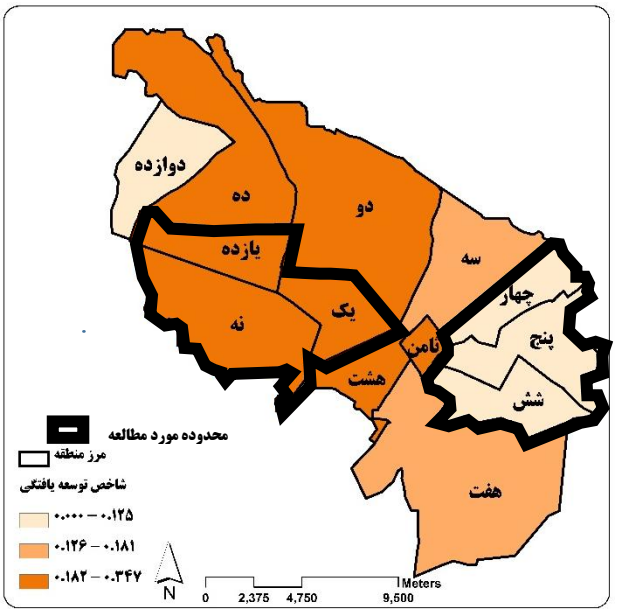

شکل(۴). موقعیت مناطق و نواحی شهر مشهد براساس شاخص توسعه یافتگی

مأخذ: (شاهنوشی, ۱۳۸۵: ۵۶۶)

همچنین جدول(۱) وضعیت مناطق مورد بررسی را از منظر ویژگی‌های جمعیتی و وسعت نشان می‌دهد.

جدول(۱). جمعیت و مساحت مناطق مورد مطالعه (۱۳۹۵)

مناطق		محدوده شرقی				محدوده غربی			
		منطقه۴	منطقه۵	منطقه۶	مجموع	منطقه۱	منطقه۹	منطقه۱۱	مجموع
جمعیت ۱۳۹۵	تعداد	۲۶۲۱۸۴	۱۷۵۶۰۳	۲۳۲۶۱۶	۶۷۰۴۰۳	۱۶۷۰۱۳	۳۲۷۰۶۱	۲۰۰۱۶۱	۶۹۴۲۳۵
	درصد	۳۹,۱	۲۶,۲	۳۴,۷	۱۰۰,۰	۲۴,۱	۴۷,۱	۲۸,۸	۱۰۰,۰
	درصداز کل مشهد	۸,۵۷	۵,۷۴	۷,۶۱	۲۱,۹۲	۵,۴۶	۱۰,۷	۶,۵۵	۲۲,۷
وسعت	هکتار	۱۴۴۳,۰	۲۰۴۰,۲	۱۶۷۳,۸	۵۱۵۷,۰	۱۴۷۶,۳	۳۴۹۸,۸	۱۶۶۴,۳	۶۶۳۹,۴
	درصد از کل مشهد	۴,۳	۶,۱	۵,۰	۱۵,۴	۴,۴	۱۰,۵	۵,۰	۱۹,۸

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و (پایگاه اطلاعات مکانی شهر مشهد، ۱۳۹۵)

یافته های پژوهش

الف) ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت‌مندی فضا در محدوده‌های شرقی و غربی شهر مشهد

با توجه به هدف اصلی این تحقیق که همانا سنجش میزان اثر گذاری شاخص‌های هویت‌مندی فضا در دو گروه مستقل از یکدیگر(مناطق شرقی و غربی شهر مشهد) و نمایش تفاوت‌های مرتبط با هر گروه است، از مدل‌های تمایزی و لجستیک بهره گرفته شده است. در ادامه نتایج حاصل از این بررسی ارائه می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

سنجش معناداری تفاوت های فضایی، بین مناطق شرقی و غربی مشهد

ارزیابی کلی مدل‌های مورد بررسی نشان از آن دارد که بین مناطق مزبور در شرق و غرب شهر مشهد، تمایزات محسوس و معناداری در خصوص هویت‌مندی فضا قابل مشاهده است و می‌توان برای هر یک از مناطق یاد شده، تابع مشخص و جداگانه‌ای را شکل داد. در ارتباط با تحلیل تمایزی، بهره‌گیری از آزمون «ام باکس» نشان می‌دهد که ماتریس‌های کوواریانس دو گروه با یکدیگر متفاوت است. همچنین در مدل لجستیک آزمون «اوم نی بوس»۳، بیانگر معنادار بودن برازش کلی مدل در مرحله دهم است. جدول(۲) نتایج حاصل از این ارزیابی را نشان می‌دهد.

جدول(۲). سطح معنا داری تفاوت‌های شاخص‌های هویت‌مندی فضا در مناطق شرقی و غربی شهر مشهد با استفاده از آزمون ام باکس در مدل تحلیل تمایزی و آزمون اوم نی بوس در مدل تحلیل رگرسیون لجستیک

تحلیل تمایزی

آزمون	Box's M	Fآزمون	
		مقدار	سطح معناداری
مقدار	۱۱۹۰,۳۵	۳,۲۴	.۰۰۰

تحلیل رگرسیون لجستیک

		Chi-square	df	Sig.
Step ۱	Step	۴۴,۸۱۲	۵	.۰۰۰
	Block	۴۴,۸۱۲	۵	.۰۰۰
	Model	۴۴,۸۱۲	۵	.۰۰۰
Step ۱۰	Step	۱۲,۴۶۱	۶	.۰۵۲
	Block	۲۰۸,۷۹۱	۵۱	.۰۰۰
	Model	۲۰۸,۷۹۱	۵۱	.۰۰۰

با توجه به جدول(۲) می‌توان اذعان نمود که بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد تفاوت معناداری از نظر جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا وجود دارد، که سبب تفاوت این دو محدوده از یکدیگر می‌شود و به نوعی می‌توان تفاوت‌های فضایی را در این خصوص در شهر مشهد به نظاره نشست. این به آن معناست که اگر مناطق شرقی و غربی شهر مشهد را دو محیط مجزا از هم در نظر بگیریم، جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا از منظر شهروندان ساکن در این دو منطقه با یکدیگر تفاوت دارد.

عوامل تاثیرگذار در تفاوت های فضایی بین مناطق شرقی و غربی مشهد

با توجه به وجود تفاوت‌های معنادار بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد از منظر جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا، می‌توان ابعاد مهم دیگری از این تفاوت را در قالب میزان اثرگذاری و تبیین مدل، متغیرهای اثرگذار و دقت طبقه بندی به شرح زیر به نمایش گذاشت.

مقایسه نتایج به دست آمده از مدل‌های تمایزی و لجستیک بیانگر آن است که بین ۱۹.۳۶۴٪ تا ۵۳۹٪ از تغییر جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا توسط تفاوت‌های فضایی موجود بین مناطق مورد بررسی تبیین می شود. نتایج این بررسی به تفکیک تحلیل‌های مورد نظر در قالب جدول(۳) مشخص شده است.

[3] Omnibus Tests

[۴] – این مقدار حاصل ارزش ضریب همبستگی کانونی در جدول مرتبط با تحلیل تمایزی (۰.۴۴) به توان دو است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

جدول(۳). نتایج حاصل از تبیین تفاوت‌های فضایی بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد بر مبنای تحلیل تمایزی و رگرسیون لجستیک

تحلیل تمایزی

تابع[۱۰]	مقدار ویژه[۱۱]	ضریب همبستگی کانونی[۱۲]
۱	.۲۴۰[a]	.۴۴۰

First ۱ canonical discriminant functions were used in the analysis.

تحلیل رگرسیون لجستیک

مرحله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۲- Log likelihood	۷۹۰,۷۵۰[a]	۷۵۶,۶۷۸[b]	۷۳۱,۹۸۳[c]	۷۰۶,۲۲۹[c]	۶۹۲,۴۹۸[c]	۶۷۸,۶۲۷[c]	۶۶۴,۷۵۴[c]	۶۴۹,۶۰۸[c]	۶۳۹,۲۳۳[c]	۶۲۶,۷۷۲[c]
ضریب R برمبنای کاکس و اسنل[۱۳]	۰,۰۷۲	۰,۱۲۳	۰,۱۵۸	۰,۱۹۳	۰,۲۱۱	۰,۲۲۹	۰,۲۴۷	۰,۲۶۵	۰,۲۷۸	۰,۲۹۳
ضریبRبر مبنای‌نایجل‌کرک	۰,۰۹۶	۰,۱۶۴	۰,۲۱	۰,۲۵۷	۰,۲۸۲	۰,۳۰۶	۰,۳۲۹	۰,۳۵۴	۰,۳۷۱	۰,۳۹

خروجی حاصل از تحلیل تمایزی بیانگر آن است که این مدل توانسته است بر مبنای یک تابع، به طبقه بندی مناسبی از تفاوت های فضایی بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد دست یابد. همچنین مقدار ویژه محاسبه شده برای آن معادل ۰.۲۴ است که بیانگر قدرت تبیین تابع مورد نظر است که فاصله ۰.۷۶ را از ۱ (قدرت تبیین بالا) نشان می‌دهد. در مجموع ضریب همبستگی کانونی نشان می‌دهد که تحلیل تمایزی توانسته است به مقدار۱۹.۳۶ درصد (۰.۴۴۲) از تغییرات متغیر وابسته را در خصوص نمایش تفاوت های فضایی بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد را تبیین کند.

همچنین برایند کلی مدل رگرسیون لجستیک نشان دهنده آن است که در مرحله دهم مقادیر ضریب R بر مبنای روش کاکس و اسنل معادل ۲۹.۳ درصد و بر مبنای روش نایجل کرک معادل ۳۹ درصد می باشد. که به عبارتی متغیرهای مورد بررسی توانسته اند بین ۲۹ تا ۳۹ درصد از تغییرات بین دو متغیر را نشان دهند.

ب) شناسایی متغیرهای معنادار و اثرگذار در نمایش تفاوت های فضایی مناطق شرقی و غربی مشهد

شناسایی متغیرهای اثرگذار و همچنین نقش هر یک از آن‌ها در تبیین تفاوت‌های فضایی بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد، از جمله نتایج مهم دیگر در خصوص موضوع مورد مطالعه می‌باشد.

بر اساس تحلیل تمایزی و بر مبنای شاخص لاندای ویکلز، در مجموع از ۲۶ متغیر مورد بررسی، تنها ۱۴ متغیر دارای اثر معناداری در نمایش تفاوت‌های فضایی بین مناطق شرقی و غربی هستند. به عبارتی این متغیرها قادرند در مجموع به میزان ۱۹.۳۶٪ از تمایزات بین مناطق مورد بررسی را به تصویر بکشند. در خصوص سایر متغیرها نیز باید گفت تمایزات چندانی بین مناطق مورد بررسی از این منظر وجود ندارد. متغیرهای معنادار به تفکیک شاخص‌های مورد بررسی عبارتند از:

[۵] - این مقدار حاصل ضریب R بر مبنای مدل نایجل کرک در جدول مرتبط با تحلیل رگرسیون لجستیک(مرحله ۱۰) است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

شاخص فرمیک شامل: ویژگی‌های مدرن مکان، ویژگی‌های معماری سنتی مکان، آلودگی کمتر مکان، شکل طبیعی مکان و بناهای مرتفع.

شاخص عملکردی شامل: مکان‌هایی جهت انجام مراسم خاص، مکان‌های با فعالیت شبانه روزی، مکان‌های با ویژگی‌های امن، مکان‌های با دسترسی آسان و مکان‌های با جنب و جوش فراوان جمعیت.

و شاخص معنایی نیز شامل: درک ویژگی‌های فرهنگ اسلامی، درک ویژگی‌های ارزش تاریخی، درک حس زیارت، و درک نشانه ملی.

در ادامه جدول(۴) نشان دهنده نتایج فوق می باشد.

جدول(۴). متغیر های اثر گذار در نمایش تفاوت های فضایی بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد بر مبنای مدل تحلیل تمایزی

شاخص	متغیر	شاخص لاندای ویلکز	سطح معناداری	ضریب استاندارد شده تشخیص کانونی
فرم	ویژگیهای مدرن	0.988	0.008	.190
	ویژگیهای معماری سنتی	0.985	0.003	-.055
	آلودگی کمتر	0.99	0.015	.051
	مکانهای سرسبز	0.997	0.155	-.202
	شکل طبیعی	0.98	0.001	.311
	شکل خاص	0.999	0.491	-.226
	بنای مرتفع	0.981	0.001	.475
عملکرد	انجام مراسم خاص	0.984	0.002	.123
	مکانهای شبانه روزی	0.98	0.001	.157
	ویژگیهای امن	0.97	0	.522
	مکانهای تفریح	0.968	0.24	-.170
	رسیدن راحت	0.984	0.002	-.044
	جنب و جوش	0.959	0	.576
	حضور جمعیت زیاد	0.999	0.364	-.080
	فعالیت گروهی	0.998	0.23	-.081
	استفاده گوناگون	0.996	0.137	-.377
	اختصاص به گروه خاص	0.994	0.065	-.467
	اختصاص به همه	0.999	0.364	-.101
معنا	ویژگیهای فرهنگ اسلام	0.983	0.001	.092
	ویژگیهای ارزش تاریخ	0.979	0	.139
	ویژگیهای حس زیارت	0.975	0	.250
	نشانه ملی	0.991	0.019	.139
	ویژگیهای عرف	0.998	0.285	.116
	خاطره انگیز	1	0.592	-.397
	بناهای نمادین	0.988	0.262	.071
	ویژگی فرهنگی مشهد	0.996	0.127	-.172

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

همانطور که در جدول(۴) مشاهده می‌شود بر مبنای ضرایب استاندارد شده تابع تشخیص کانونی، در بین متغیرهای فرمیک، بناهای مرتفع و مکان‌های دارای شکل طبیعی اثرگذارترین متغیر به شمار می‌آیند.

در بین شاخص عملکردی نیز، متغیر مکان‌های با جنب و جوش بالای جمعیت و مکان‌های امن، با اهمیت‌ترین متغیر هستند.

همچنین در شاخص معنایی نیز، متغیر درک حس زیارت دارای بیشترین اهمیت در خصوص نمایش تفاوت‌های فضایی بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد است.

در مقابل براساس مدل رگرسیون لجستیک متغیرهای معنادار و اثرگذار در مدل به تفکیک شاخص عبارت‌اند از:

شاخص فرمیک: ویژگی معماری سنتی و بناهای مرتفع

شاخص عملکری: مکان‌های با فعالیت شبانه‌روزی، مکان‌هایی که در آن‌جا جنب و جوش زیاد است و مکان‌های با استفاده های گوناگون

شاخص معنایی: ویژگی‌های فرهنگ اسلامی جدول(۵).

جدول(۵). متغیرهای اثرگذار در نمایش تفاوت‌های فضایی بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد بر مبنای تحلیل رگرسیون لجستیک

متغیر	ضریب B	S.E.	آماره (والد)	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت بخت‌ها
ویژگی‌های_معماری_سنتی			۲۰,۴۸۱	۵	.۰۰۱	
f.۱۷,۳(۵)	-۳.۴۷۴	۱,۴۱۸	۶,۰۰۵	۱	.۰۱۴	.۰۳۱
ویژگی‌های_فرهنگ_اسلام			۱۸,۳۸۱	۶	.۰۰۵	
مکان‌های_شبانه_رو			۱۶,۳۷۹	۵	.۰۰۶	
جنب_و_جوش			۱۷,۱۰۹	۵	.۰۰۴	
a.۱۷,۱۶(۲)	۳,۱۲۵	۱,۵۷۰	۳,۹۶۴	۱	.۰۴۶	۲۲,۷۶۳
m.۱۷,۱۹(۱)	۲,۸۱۵	۱,۲۶۷	۴,۹۳۲	۱	.۰۲۶	۱۶,۶۸۵
بنای_مرتفع			۱۲,۰۰۳	۵	.۰۳۵	
f.۱۷,۲۳(۲)	۱,۰۴۴	.۴۸۸	۴,۵۸۱	۱	.۰۳۲	۲,۸۴۰
استفاده گوناگون			۱۶,۲۵۵	۵	.۰۰۶	
a.۱۷,۲۴(۳)	-۳,۰۰۹	۱,۴۰۸	۴,۵۶۸	۱	.۰۳۳	.۰۴۹
مقدار ثابت	-۶۲,۸۹۰	۶۹۶۰۷,۳۳۱	.۰۰۰	۱	.۹۹۹	.۰۰۰

در مجموع می‌توان برایند کلی مدل‌های تمایزی و لجستیک را در خصوص نمایش تفاوت‌های موجود بین مناطق شرقی و غربی از منظر شاخص‌های هویت‌مندی فضا را به شرح زیر نمایش داد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

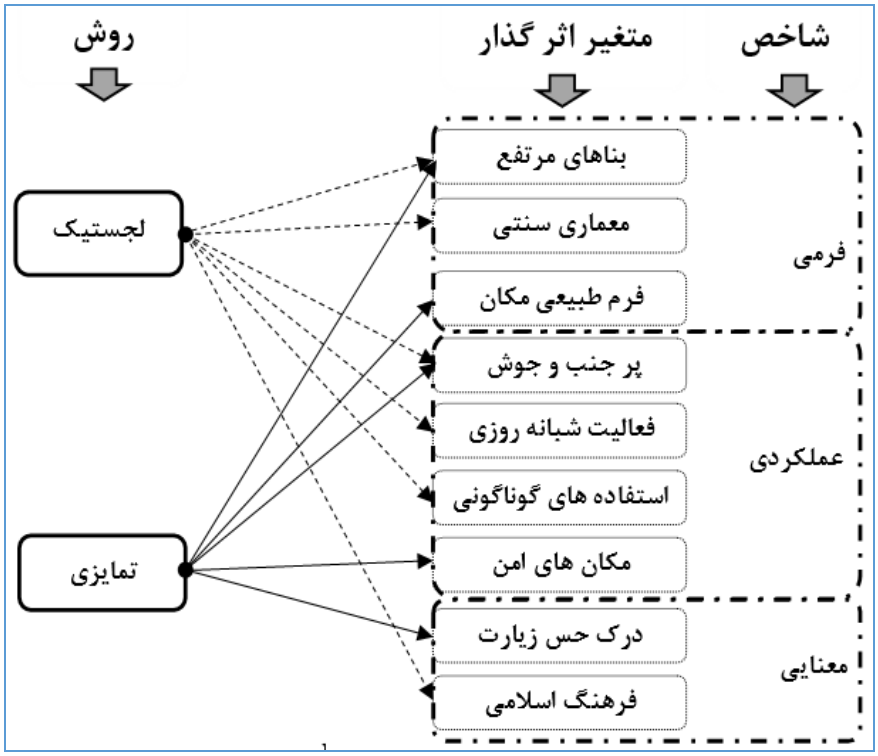

شکل(۵). نتایج حاصل از روش‌های تحلیل تمایزی و لجستیک در خصوص متغیرهای اثرگذار بر هویت‌مندی فضا در محدوده مورد مطالعه

با توجه به شکل(۵) می‌توان به موضوعات مهمی در خصوص تفاوت‌های موجود بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد و تأثیر آن بر نگرش شهروندان نسبت به جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا پی برد. در خصوص شاخص فرمیک، بررسی‌ها نشان می‌دهد که متغیرهایی همچون بناهای مرتفع، معماری سنتی و فرم طبیعی مکان، متغیرهایی هستند که سبب تفکیک ساکنین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد از یکدیگر می‌شوند. به عبارتی ارزش این متغیرها در نظر ساکنین مناطق شرقی و غربی از هم متفاوت است و این تفاوت به گونه‌ای است که سبب تشکیل دو گروه مستقل از یکدیگر می‌شود. نکته مهم از شاخص‌های به دست آمده در این خصوص آن است که مناطق مورد بررسی از نظر فرم و شکل، تصویرگر ذهنیت متفاوتی در بین ساکنین خود بوده‌اند. به گونه‌ای که نگرش آن‌ها به متغیرهای هویتی همچون بناهای مرتفع، معماری سنتی و فرم‌های طبیعی مکان متفاوت از یکدیگر است. بر این اساس می‌توان گفت مهمترین تمایزات فرمی مناطق شرقی و غربی شهر مشهد عمدتاً از نظر وجود بناهای مرتفع، توجه به معماری‌های سنتی و فرم‌های طبیعی مکان است. در این بین وجود بناهای مرتفع به دلیل تأیید آن از منظر هر دو روش لجستیک و تمایزی جایگاه ویژه‌ای دارد. لذا آن را می‌توان وجه مهم تمایز عنصر هویتی فرمی در بین مناطق شرقی و غربی مشهد دانست.

در بین شاخص‌های عملکردی نیز نتایج حاکی از معنادار بودن متغیرهای مکان‌های پر جنب‌وجوش، مکان‌های با فعالیت‌های شبانه روزی، مکان‌های دارای استفاده های گوناگون، و مکان‌های امن است. توجه به این شاخص، بیانگر وجود عملکرد متفاوت فضا از منظر ساکنین در مناطق شرقی و غربی است. و لذا می‌توان آن را وجه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

مهمی از تمایزات درون شهری مشهد به شمار آورد. البته در بین متغیرهای یاد شده، مکان با جنب‌وجوش بالا به دلیل معنا داری از منظر روش‌های لجستیک و تمایزی، جایگاه مهمتری دارد.

نهایتاً در خصوص شاخص‌های معنایی، متغیر های اثرگذار و تمایز دهنده مناطق شرقی و غربی شهر مشهد، شامل دو متغیر درک حس زیارت و درک ویژگی‌های فرهنگ اسلامی می‌باشند. بر این اساس می‌توان گفت نگرش ساکنین مناطق مورد بررسی به موضوعات مرتبط با حس زیارت و ویژگی‌های فرهنگ اسلامی در فضای پیرامونی آن‌ها متفاوت و متمایز است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هویت به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در کیفیت محیط زیست شهری، دارای جایگاه برجسته‌ای است. از این‌رو توجه به موضوع هویت‌مندی فضا در مناطق شهری می تواند یکی از دغدغه‌های مهم برنامه‌ریزان و مدیران شهری قلمداد گردد. این مطالعه با هدف نمایش تفاوت‌های فضایی و تأثیر آن در نگرش شهروندان به جایگاه عناصر هویتی در شهر مشهد به انجام رسیده است. نتایج این بررسی حاکی از وجود تفاوت‌های معنادار بین مناطق شرقی و غربی شهر مشهد در این خصوص است. این تفاوت در هر سه دسته از شاخص‌های فرمیک، عملکردی و معنایی قابل مشاهده می‌باشد. به عبارتی تفاوت‌های مکانی در درک و تعیین جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا در بین ساکنین اثرگذار می‌باشد. یافته این مطالعه در واقع همسو با یافته‌های(گلامب و کاپیتز، ۲۰۱۴)، (لیزلی، ترمالت و اسکال، ۱۹۹۸) و (گلامب و کانویشر، ۲۰۱۴) است که در مطالعات خود اثرگذاری مکان بر تفاوت درک هویت را نشان می‌دهند. این موضوع را به شکل علمی در تئوری«ادغام ویژگی» (تریسمن، ۱۹۸۰) می‌توان ریشه‌یابی کرد که توجه به تفاوت‌های فضایی و مکانی را به عنوان برچسب و پیوستی برای بررسی ویژگی‌های پدیده‌ها منظور می‌کند. لذا یافته‌های این مطالعه در چارچوب این نظریه نیز توجیه‌پذیر است.

از سوی دیگر در محدوده مورد مطالعه وجود تفاوت در نگرش ساکنین به جایگاه شاخص‌های هویت‌مندی فضا بیانگر موضوعات مهم و اساسی دیگری به شرح زیر می‌باشد:

با اینکه شاخص‌های مرتبط با هویت، سه وجه عملکردی، فرمی و معنایی را شامل می‌شوند، اما این به معنایی جدایی و انفکاک این وجوه از یکدیگر نمی‌باشد. همانطور که یافته‌های این مطالعه نشان داد، تفاوت‌های فضایی بین مناطق شرقی و غربی هر سه شاخص مرتبط با هویت را شامل می‌شود. به عبارتی می‌توان این گونه عنوان کرد که نوع نگاه و جایگاه هر یک از شاخص‌های مرتبط با هویت، درمرتبه و اندازه سایر شاخص‌ها نیز اثر گذار می‌باشد. بنابراین می‌توان این انتظار را داشت که با تغییر در هر یک از شاخص‌ها، جایگاه سایر شاخص‌ها نیز دستخوش تغییر و تحول گردد.

تنوع و تکثر در فضای شهرهایی همچون مشهد، امری مهم و قابل توجه است و نشان از رویکردها و برداشت‌های متفاوت ساکنین در مواجهه با محیط پیرامون دارد. خروجی‌های ناشی از این روند آن است که توقع درک واحد و یکپارچه از هویت و عناصر اثرگذار بر آن در محیط شهر امری نا به جاست. این امر به ویژه در شهرهای بزرگ نمود بیشتری دارد، که در مطالعه پیش‌رو این موضوع در شهر مشهد تأیید شد. چنین نگرشی به موضوع هویت و عناصر سازنده و شاخص‌های مرتبط با آن را به تنهایی نمی‌توان نقطه قوت و یا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

ضعف به شمار آورد. بلکه نحوه بهره‌برداری و ارتقاء هویت شهر در نظر ساکنان است که این موضوع را مهم و یا کم‌اهمیت خواهد ساخت. ازسوی دیگر باید توجه داشت کیفیت محیط پیرامونی و شیوه چیدمان عناصر و ترکیب ظاهری آن‌ها تأثیر مهمی در رفتارها و نگرش‌های اساسی ساکنین شهر خواهد داشت. امری که به نظر می رسد در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌ها بیشتر می بایست مد نظر قرار گیرد.

در پایان توجه به این نکته لازم و ضروری است که در شرایط فعلی که موضوع انسجام فضایی از جمله دغدغه‌ها و مشکلات اساسی توسعه شهری به شمار می‌آید. در این بین«هویت» با همه ابعاد آن می‌تواند نقش مهمی در دست‌یابی به این مهم ایفا می‌کند. لذا ضروری است به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم برنامه‌ریزان و طراحان شهری مد نظر واقع شود.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادهای کاربردی زیر را در خصوص موضوع هویت‌مندی فضا در شهر مشهد مورد نظر قرار داد:

۱)موضوع هویت در فضای شهر با اینکه سه وجه عملکردی، معنایی و شکلی را شامل می‌شود اما نمی‌توان آن را به صورت موضوعات جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد. به شکل ویژه در ارتباط با شهر مشهد، ابعاد عملکردی، معنایی و شکلی هویت مبتنی بر ویژگی‌های خاص شهر مشهد می‌بایست تقویت کننده یکدیگر و تداعی کننده موضوع مشخص و مرتبط با شهر مشهد باشد.

۲) با توجه به جایگاه متفاوت شاخص‌های هویت‌مندی فضا در شهر مشهد، ضرورت دارد ضمن توجه به تفاوت‌های فضایی هر منطقه و اثرات آن بر نوع و نگرش ساکنین، در چارچوب مشخص و منسجم ضمن ترسیم نقشه راه هویت‌مندی فضا، نسبت به آرایش و پیرایش فضای شهر با توجه به تفاوت‌های فضایی هر منطقه اقدام نمود به گونه‌ای که برآیند کلی از این اقدامات دستیابی به تصویری مشخص از هویت شهر مشهد برای کلیه ساکنین فراهم گردد.

۳) در شرایط فعلی آرایش و پیرایش فضای شهر عمدتا براساس نظرات مشاورین طراح صورت می‌پذیرد. ازاین‌رو در این روند، ساکنین نقشی ندارند. علاوه براین تمایزات مکانی اثرگذار بر جایگاه شاخص‌های هویت مندی فضا نیز مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از این رو ضروری است، بازنگری خاصی در این خصوص صورت پذیرد و نظرات شهروندان در قالب نقشه راه تدوین شده شناسایی و مورد توجه قرار گیرد. تا از این طریق علاوه بر ارتقای کیفی محیط، تعامل ساکنین با آن نیز بیشتر شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

منابع

ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۷۹)، **ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام**، طرح نو، تهران.

اقبالی، سید رحمان (۱۳۷۸)، **هویت معماری معاصر ایران:بررسی تطبیقی نظریه‌ها و تجربه‌ها**، دانشگاه تهران، تهران

امین زاده، بهناز؛ (۱۳۸۹)، **ارزیابی زیبایی و هویت مکان**، هویت شهر، ۴(۷).

بحرینی ,ح(۱۳۸۸). **تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی**. تهران: دانشگاه تهران.

بنتلی، ای یان؛ (۱۳۸۲)، **محیط‌های پاسخده: کتابی راهنما برای طراحان**، ترجمه مصطفی بهزاد فر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

بهزاد فر، مصطفی؛ (۱۳۸۷)، **هویت شهر، نشر شهر تهران(وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران)**، تهران.

بیکن، ادموند؛ (۱۹۶۵)، **طراحی شهرها**، ترجمه فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

پاکزاد، جهانشاه؛ (۱۳۸۶)، **سیر اندیشه‌ها در شهرسازی(۱) از آرمان تا واقعیت**. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی- شرکت عمران شهرهای جدید.

پرتوی، پروین؛ (۱۳۸۲)، **مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه**،مجله هنرهای زیبا، (۱۴):۵۰ - ۴۰.

تابان ، محسن؛ پورجعفر ، محمدرضا؛ پورمند ، حسنعلی؛ (۱۳۹۱)، **هویت و مکان، رویکردی پدیدارشناسانه**، هویت شهر، ۶(۱۰).

تقوائی, س. ح. (۱۳۹۱). **از سبک تا هویت در معماری**. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی،۱۷، ۲, ۶۵-۷۳.

جیکوبز، جین؛ (۱۹۶۹)، **مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی**، ترجمه آرزو افلاطونی، نشر دانشگاه تهران، تهران.

حبیبی، سید محسن؛ (۱۳۸۵)، **از شار تا شهر**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

حجت, ع. (۱۳۸۴). **هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز**. نشریه هنرهای زیبا، ۲۴, ۵۵-۶۲.

دانشپور، عبدالهادی؛(۱۳۸۰)، **بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی**، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.

رهنما، محمدرحیم؛ (۱۳۷۵)، **بافت قدیم و توسعه شهری، نمونه بافت‌های مسکونی مرکز شهر مشهد**، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

رهنـما، محمدرحیم؛ (۱۳۷۶)، **حسینیه‌ها در بافت تاریخی مشهد**، مجله مشکات،(۵۶ و ۵۷): ۱-۲۰

سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی (۱۳۸۸)، **آمار آژانس‌های مسافرتی**، مشهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]

[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

شاهنوشی، ناصر؛ (۱۳۸۵)، **تعیین سطح توسعه یافتگی نواحی شهر مشهد**، شهرداری مشهد، کنفرانس برنامه-ریزی و مدیریت شهری. مشهد، شهرداری مشهد.

کالن، گوردن؛ (۱۳۷۷)، **گزیده منظر شهری**، ترجمه منوچهر طبیبیان، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.

لینچ ,ک(۱۳۷۶) .**تئوری شکل خوب شهر** .تهران :دانشگاه تهران.

طرح‌جامع شهرمشهد (۱۳۴۶)، مشهد: **سازمان مسکن و شهرسازی خراسان رضوی** .

علی آبادی، م؛ (۱۳۹۱). **جایگاه عقل در مفهوم پایداری شهر**. فصلنامه مطالعات معماری ایران(۱): ۲۵-۳۷.

غمامی، مجید؛ (۱۳۷۲)، **طرح جامع مشهد**، فصلنامه آبادی، ۹ (۳): ۷۰-۸۰.

فرنهاد ,مهندسین مشاور.(۱۳۸۹).**طرح توسعه و عمران(جامع) کلانشهر مشهد مقدس خلاصه گزارش**. مشهد: نهاد مطالعات و برنامه ریزی توسعه و عمران شهر مشهد.

فرنهاد، مهندسین مشاور (۱۳۸۶)، **چشم‌انداز و الگوی عمومی‌توسعه و عمران کلانشهر مشهد مقدس**، مشهد: سازمان مسکن و شهرسازی.

قطبی، علی اکبر(۱۳۸۷)، **مفهوم هویت و معماری امروز ایران**، تهران، ماهنامه آینه خیال ۱۰، ۷۸.

گروتر، یورک؛ (۱۳۸۳)، **زیبایی شناسی ،معماری-ترکیب، تناسب و غیره ،معماری-فلسفه**، ترجمه: جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

مرکز آمار ایران، **آمارنامه** (۱۳۹۵).

نقی زاده, م.(۱۳۸۶). **ادراک زیبایی و هویت شهردر پرتو تفکر اسلامی**. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

نقی‌زاده ,م(۱۳۹۳). **هویت شهر مبانی مولفه‌ها و جلوه‌ها** .تهران: جهاد دانشگاهی.

همامی، ع؛ و مقیمی، ز؛ (۱۳۸۹). **رویکرد قرآنی در مقایسهٔ نظریهٔ نسبیّت حق و نسبیّت ارزش‌ها**. پژوهشنامه قرآن و حدیث،(۷) : ۹۱-۱۱۰.

Antonsich, M. (2013, October). **Identity and Place**. Oxford University.

Alexander, C., Ishikawa, S., Silverstein, M., Jacobson, M., Fiksdahl-King, I. and Angel, S. (1977). **A Pattern Language**, Oxford University Press, New York. University of Tokyo, Tokyo.

Cambridge Dictionary. (2018). Cambridge University. Retrieved from https://dictionary.cambridge.org/

Choudhary, B. K. (2014). **Formation and (re)formation of Spatial Identity**. Journal of Regional Development and Planning. 3, 35-47.

Golomb, J., & Kupitz, C. (2014). **The Influence of Object Location on Identity**. Experimental Psychology 6, 2262–2278.

Golomb, J., L'Heureux, Z., & Kanwisher, N. (2014). **Feature-binding errors after eye movements and shifts of attention**. Psychological Science, 25, 1067–1078.

Han, H., & Hawken, S. (2018). I**ntroduction: Innovation and identity in next-generation smart cities.** City, Culture and Society 12, 1-4.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]

[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]

Hirt, S. A. (2005). **Toward Postmodern Urbanism? Evolution of Planning in Cleveland**, Ohio. Journal of Planning Education and Research 25: 27-42.
Huang, L., & Pashler, H. (2007). **A Boolean map theory of visual attention**. Psychological Review, 114, 599–631.
Koch, C., & Ullman, S. (1985). **Shifts in selective visual attention: To wards the underlying neural circuitry**. Human Neurobiology, 4, 219-227.
Leslie , A., Xu, F., Tremoulet, P., & Scholl, B. (1998). **Indexing and the object concept: Developing "what" and "where" systems**. Trends in Cognitive Sciences, 2, 10-18.
Mihye, C., & Sunghee, S. (2014). **Conservation or economization? Industrial heritage conservation in Incheon, Korea**. Habitat International, 41, 69-76.
Oxford Dictionary. (2018). Oxford University. Retrieved from https://en.oxforddictionaries.com/
Rapoport,A, (1990), **Levels of Meaning and Types of Environments". In Y.Yoshitake,r**. B. Bechtel, T. Takahashi, & M. Asia(Eds), Current issues in environment.behavior research
Rashid, H. (2012). **Identity Discourse in Islamic Architecture. J. Basic**. Appl. Sci. Res., 2(1): 926-934.
Sak, S. (2008). **Formation of the City Image: The Role of the Train Station in the Image Formation Process of ANKARA**. Approved by the Institute of Fine Arts.
Shalom H. Schwartz (2012), **Basic Human Values: An Overview**, the Hebrew University of Jerusalem
Sidawi, B. (2013). **Understanding the vocabulary of the Islamic architectural heritage**. GBER Vol. 8 Issue. 2: 26 - 39.
Terlouw, K. (2016). **Territorial changes and changing identities: how spatial identities are used in the up-scaling of local government in the Netherlands**. Local Government Studies 42, 938-957.
Treisman, A. M. (1980). **A feature-integration theory of**. Cognitive Psychology, 12, 97-136.
Wolfe, J. M. (1994). Guided search 2.0: **A revised model of visual search**. Psychonomic Bulletin & Review 1, 202–238.
Yaldız, E., & Aydın, D. (2014). **Loss of City Identities in the Process of Change: The City of Konya-Turkey.** Procedia - Social and Behavioral Sciences 140 , 221 – 233.
YILDIZ, Ş. (2011). **What Does Make a City Islamic**? International Journal of Business and Social Science, 2 (8) :199-201.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.61.11.9]
[DOI: 10.52547/jgs.21.61.201]